



در آمدی بر اعتبار سنجی روایات تفسیری

دکتر محمود حاجی احمدی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
بهار ۱۳۹۹

حاجی احمدی، محمود، ۱۳۳۹-
درآمدی بر اعتبارسنجی روایات تفسیری / نویسنده محمود حاجی احمدی؛ ناظر علی اکبر بابایی. — قم: پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه، ۱۳۹۹.
دوازده، ۲۵۲ص. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۲۱: قرآن پژوهی؛ ۶۹)
ISBN: 978-600-298-287-2
بها: ۲۷۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۲۲۳]_۲۴۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. تفاسیر مأثورہ -- شیعه امامیه. ۲. Qur'an -- *Traditional hermeneutics -- Imaamite Shiite. ۳. احادیث
مجموع. ۴. *Hadiths (Apocryphal). الف. بابایی، علی اکبر، ۱۳۳۲- ب. Babai, Ali Akber. ج. پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه. د. عنوان.
BP۹۸
۲۹۷/۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی
۵۸۰۰۳۸۸



درآمدی بر اعتبارسنجی روایات تفسیری

مؤلف: دکتر محمود حاجی احمدی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)

ناظر: حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیده حسینیان

صفحه آرایی و طراحی جلد: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبحان

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۲۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به‌عنوان منبع درس «احادیث موضوعه»^۱ در مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر محمود حاجی احمدی و نیز از ناظر محترم حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر بابایی سپاسگزاری کند.

۱. این درس در برنامه بازنگری شده مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ دانشگاه تهران به استناد آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی مصوب جلسه شماره ۸۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۳ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی، در سرفصل‌های مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث تعریف شده است.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: کلیات

۱. بیان موضوع.....	۵
۲. پیشینه.....	۵
۱-۲. منابع بررسی قواعد نقد مطلق روایات.....	۷
۲-۲. منابع بررسی قواعد نقد روایات تفسیری.....	۹
۳-۲. منابع بررسی کننده بعضی از ابعاد موضوع.....	۹
۳. کاستی‌های تحقیقات گذشته و جنبه‌های نوآوری در این پژوهش.....	۱۱
۴. ضرورت تحقیق.....	۱۱
۵. اهداف تحقیق.....	۱۲
۶. روش تحقیق.....	۱۲
۷. واژه‌شناسی.....	۱۲
۱-۷. تفسیر.....	۱۲
۲-۷. تأویل.....	۱۳
۳-۷. حجیت و اعتبار.....	۱۵
۱-۳-۷. حجیت در اصطلاح دانش تفسیر.....	۱۶
۴-۷. سنت.....	۱۶
۵-۷. روایات تفسیری.....	۱۸
۸. جایگاه سنت در تفسیر.....	۱۸
۱-۸. جایگاه سنت پیامبر.....	۱۹
۲-۸. جایگاه سنت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۱۹
ادله قرآنی.....	۲۰
ادله روایی.....	۲۲
۳-۸. ارزش قول صحابه.....	۲۳

۲۵ عقیده شیعه در خصوص صحابی و حجیت اقوال و آرای آنان
۲۶ ۹. منابع و گونه‌های روایات تفسیری
۲۶ ۱-۹. تفاسیر روایی شیعه
۲۹ ۲-۹. تفاسیر روایی اهل تسنن
۳۰ ۳-۹. گونه‌های روایات تفسیری

فصل دوم: بررسی معیارها و شرایط اعتبار روایات تفسیری

۳۴ ۱. اعتبار سند
۳۴ ۱-۱. تعریف سند
۳۴ معنای لغوی
۳۵ معنای اصطلاحی
۳۵ ۲-۱. اهمیت سند
۳۷ ۳-۱. اعتبار اخبار حاکی از سنت
۳۸ ۱-۳-۱. دیدگاه‌ها در خصوص طریق احراز اعتبار خبر واحد
۳۸ وثوق صدور و وثوق سندی
۳۹ ۲-۳-۱. بررسی دیدگاه‌ها در خصوص حجیت خبر واحد معتبر در تفسیر
۴۰ دلایل مخالفان حجیت
۴۵ دلایل موافقان حجیت
۴۸ نظر مختار
۴۹ ۲. اعتبار متن
۵۰ ۱-۲. عدم اضطراب
۵۰ ۱-۱-۲. اضطراب در سند
۵۱ ۲-۱-۲. اضطراب در متن
۵۲ ۳-۱-۲. نمونه‌ای از حدیث مضطرب در تفسیر
۵۴ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۴ ۲-۲. عدم مخالفت با قرآن
۵۵ ۱-۲-۲. دلیل اعتبار
۵۵ روایات عرضه در جوامع حدیثی شیعه
۵۸ روایات عرضه در جوامع حدیثی اهل سنت
۵۹ جمع‌بندی
۵۹ ۲-۲-۲. اعتبار احادیث عرضه
۶۱ ادله مخالفان احادیث عرضه
۶۳ ۳-۲-۲. مقصود از کتاب و قرآن در احادیث عرضه
۶۳ نظر مختار
۶۴ ۴-۲-۲. مقصود از موافقت و مخالفت
۶۶ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۶۶ ۳-۲. عدم مخالفت با سنت
۶۶ ۱-۳-۲. دلیل اعتبار
۶۷ ۲-۳-۲. مقصود از سنت در این شرط
۶۸ ۳-۳-۲. قراین تشخیص سنت معیار
۶۹ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۶۹ ۴-۲. عدم مخالفت با عقل
۷۰ ۱-۴-۲. مقصود از عقل و مقتضیات عقل
۷۱ ۲-۴-۲. دلیل اعتبار
۷۲ قرآن
۷۳ سنت
۷۳ ۳-۴-۲. محدوده کاربرد این شرط
۷۵ ۴-۴-۲. گونه‌های تعارض با عقل
۷۶ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۷۶ ۵-۲. عدم مخالفت با تاریخ قطعی
۷۷ ۱-۵-۲. مقصود از تاریخ قطعی
۷۷ ۲-۵-۲. دلیل اعتبار
۷۸ ۳-۵-۲. محدوده کاربرد این شرط
۷۸ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۷۸ ۶-۲. عدم مخالفت با علم قطعی و واقع
۷۹ ۱-۶-۲. مقصود از علم قطعی و واقع
۸۰ ۲-۶-۲. دلیل اعتبار
۸۰ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۸۰ ۷-۲. عدم مخالفت با ضروری دین و مذهب و اجماع
۸۰ ۱-۷-۲. مقصود از ضروری دین و مذهب
۸۳ ۲-۷-۲. دلیل اعتبار شرط عدم مخالفت با ضروری دین و مذهب
۸۳ ۳-۷-۲. مقصود از اجماع
۸۴ ۴-۷-۲. دلیل اعتبار شرط عدم مخالفت با اجماع
۸۴ ۵-۷-۲. تفاوت ضروریات دین و مذهب با اجماع
۸۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۸۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل

فصل سوم: بررسی میزان کارایی معیارها و شرایط سنجش در گونه‌های روایات تفسیری

۸۸ ۱. روایات تفسیری در حوزه مسائل اعتقادی
 ۱-۱. بررسی روایات درباره انتقال اعمال خوب مخالفان به شیعیان و اعمال بد شیعیان به مخالفان ذیل آیه
۸۸ ۱۳-۱۲. سوره عنکبوت
۸۹ ۱-۱-۱. روایت

۹۹ بررسی روایت ۲-۱-۱
۹۹ بررسی سندی
۹۹ عدم مخالفت با قرآن و عقل
۱۰۲ بررسی روایات دربارهٔ عدوان بر فرزندان قاتلان امام حسین <small>علیه السلام</small> ذیل آیه ۱۹۳ سوره بقره
۱۰۴ ۱-۲-۱. روایات
۱۰۴ ۲-۲-۱. بررسی روایات
۱۰۴ بررسی سندی
۱۰۵ بررسی متنی
۱۰۵ عدم مخالفت با قرآن و عقل
۱۰۶ بررسی سایر معیارهای سنجش
۱۰۷ ۳-۱. بررسی روایات دربارهٔ خلقت متفاوت انسان‌ها ذیل آیه ۱۹۵ سوره انعام
۱۰۹ ۱-۳-۱. روایات
۱۱۲ ۲-۳-۱. بررسی روایات
۱۱۲ بررسی سندی
۱۱۳ بررسی متنی
۱۱۴ ۴-۱. بررسی روایات تفسیرکنندهٔ «کلمات» در آیه ۳۷ بقره
۱۱۷ ۱-۴-۱. روایات
۱۱۷ الف. الفاظ
۱۱۷ الف-۱. کلمات تسبیح و تهلیل
۱۱۸ الف-۲. اسماء پیامبر و اهل بیتش <small>علیهم السلام</small>
۱۱۸ الف-۲-۱. پیامبر به‌تنهایی
۱۱۸ الف-۲-۲. خمسهٔ طیبه
۱۱۸ الف-۲-۲-۱. بدون گزارش آشنایی قبلی
۱۱۹ الف-۲-۲-۲. با گزارش آشنایی قبلی
۱۲۰ ب- افعال و الفاظ
۱۲۰ ب-۱. زندگی سخت + سجده + تسبیح و تهلیل
۱۲۱ ب-۲. تسبیح و تهلیل + اعمال حج
۱۲۱ ۲-۴-۱. بررسی روایات
۱۲۲ بررسی سندی
۱۲۲ (تسبیح و تهلیل)
۱۲۲ (نام پیامبر به‌تنهایی)
۱۲۲ (خمسهٔ طیبه بدون آشنایی قبلی)
۱۲۳ خمسهٔ طیبه با گزارش آشنایی قبلی
۱۲۳ زندگی سخت همراه با تسبیح و تهلیل
۱۲۳ تسبیح و تهلیل + اعمال حج
۱۲۴ بررسی متنی

۱۲۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۱۲۶	۲. روایات تفسیری در حوزه احکام.....
۱۲۷	۱-۲. بررسی روایات درباره چگونگی وضو، ذیل آیه ۶ مائده.....
۱۲۸	۱-۱-۲. روایات.....
۱۳۰	۲-۱-۲. بررسی روایات.....
۱۳۱	بررسی سندی.....
۱۳۱	بررسی متنی.....
۱۳۱	- عدم مخالفت با قرآن.....
۱۳۴	- عدم مخالفت با سنت.....
۱۳۵	۳. روایات تفسیری در حوزه اخلاق.....
۱۳۵	۱-۳. بررسی روایات درباره تقوا ذیل آیه ۱۰۲ آل عمران.....
۱۳۷	۱-۱-۳. روایات.....
۱۳۹	۲-۱-۳. بررسی روایات.....
۱۳۹	بررسی سندی.....
۱۳۹	بررسی متنی.....
۱۴۰	عدم مخالفت با قرآن.....
۱۴۱	عدم مخالفت با سنت.....
۱۴۱	عدم مخالفت با عقل.....
۱۴۲	۴. روایات تفسیری در حوزه شأن نزول و تاریخ.....
۱۴۲	۱-۴. بررسی روایات درباره مباحثه ذیل آیه ۶۱ آل عمران.....
۱۴۴	۱-۱-۴. روایات.....
۱۴۴	۲-۱-۴. بررسی روایات.....
۱۴۵	بررسی سندی.....
۱۴۵	بررسی متنی.....
۱۴۵	- عدم مخالفت با قرآن.....
۱۴۶	عدم مخالفت با سنت.....
۱۴۶	عدم مخالفت با تاریخ.....
۱۴۷	۵. روایات تفسیری در حوزه علوم.....
۱۴۸	۱-۵. بررسی روایات درباره چگونگی خلقت حوا ذیل آیه ۱ نساء.....
۱۴۹	۱-۱-۵. روایات.....
۱۵۰	۲-۱-۵. بررسی روایات.....
۱۵۰	بررسی سندی.....
۱۵۱	بررسی متنی.....
۱۵۱	- عدم مخالفت با قرآن.....
۱۵۲	- عدم مخالفت با سنت.....
۱۵۶	عدم مخالفت با علم قطعی.....

۱۵۷ ۶. روایات تفسیری در حوزه تبیین مفردات
۱۵۷ ۱-۶. معنای کلمات
۱۵۹ ۱-۱-۶. بررسی روایات در معنای اثاث
۱۵۹ روایات و بررسی آنها
۱۶۰ ۲-۱-۶. بررسی روایات در معنای اوامه
۱۶۰ روایات و بررسی آنها
۱۶۱ ۲-۶. تطبیق و بیان مصداق
۱۶۴ بهره‌گیری از بیان مصداق (تبیین مصداقی)
۱۶۵ ۱-۲-۶. بررسی روایات تطبیق حسنه و سیئه در آیه ۸۹ و ۹۰ نمل
۱۶۶ روایات
۱۶۶ بررسی روایات
۱۶۷ بررسی سندی
۱۶۷ بررسی متنی
۱۶۷ عدم مخالفت با قرآن
۱۶۷ عدم مخالفت با سنت و عقل و عدم اضطراب متن
۱۶۸ ۲-۲-۶. بررسی روایات تطبیق هاد و منذر در آیه ۷ رعد
۱۶۸ روایات
۱۶۹ بررسی روایات
۱۶۹ بررسی سندی
۱۷۰ - بررسی متنی
۱۷۰ عدم مخالفت با قرآن
۱۷۰ عدم مخالفت با سنت و عقل
۱۷۰ ۳-۲-۶. بررسی روایات در تطبیق نبأ در آیه ۱ تا ۳ نبأ
۱۷۱ روایات
۱۷۲ بررسی روایات
۱۷۲ بررسی سندی
۱۷۳ بررسی متنی
۱۷۳ عدم مخالفت با قرآن
۱۷۳ عدم مخالفت با سنت
۱۷۳ سایر شرایط اعتبار
۱۷۴ ۴-۲-۶. بررسی روایات تطبیق بعوضه در آیه ۲۶ بقره
۱۷۵ روایات
۱۷۶ بررسی روایات
۱۷۶ بررسی سندی
۱۷۶ بررسی متنی
۱۷۶ عدم مخالفت با قرآن

۱۷۶ عدم مخالفت با سنت
۱۷۷ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل

فصل چهارم: قرینه‌های مؤثر در اعتبار یا عدم اعتبار روایات تفسیری

۱۸۲ ۱. قراین اعتبار
۱۸۲ ۱-۱. قراین مربوط به راوی
۱۸۴ ۲-۱. قراین مربوط به صدور روایت
۱۸۶ ۳-۱. قراین مربوط به صحیح و قابل قبول بودن متن
۱۸۷ ۲. قراین عدم اعتبار
۱۸۷ ۳. بررسی بعضی از قراین
۱۸۷ ۱-۳. نقل از بنوفضال
۱۸۸ ۲-۳. نقل مشایخ ثقات
۱۸۸ ۱-۲-۳. مشایخ ثلاث
۱۹۰ ۲-۲-۳. نقل روایت توسط احمد بن محمد بن عیسی قمی
۱۹۱ ۳-۲-۳. نقل روایت توسط جعفر بن بشیر
۱۹۱ ۴-۲-۳. نقل روایت توسط محمد بن اسماعیل بن میمون زعفرانی
۱۹۱ ۳-۳. وقوع راوی در سلسله سند حدیث صحیح (تصحیح سند)
۱۹۲ ۴-۳. وقوع راوی در سلسله سند کافی و کتاب من لا یحضره الفقیه
۱۹۲ ۵-۳. روایت قمیین از راوی
۱۹۳ ۶-۳. روایت اصحاب اجماع
۱۹۵ ۷-۳. راویان نوادر الحکمه
۱۹۶ ۸-۳. شیخوخیت اجازه
۱۹۷ ۹-۳. وکالت راوی
۱۹۷ ۱۰-۳. کثرت نقل روایت
۱۹۷ ۱۱-۳. وقوع در اسناد کامل الزیارات
۱۹۹ ۱۲-۳. وقوع در سلسله راویان تفسیر قمی
۲۰۰ بررسی نظریه توثیق عام مشایخ تفسیر قمی
۲۰۱ بررسی شرح حال رجالی راویان تفسیر قمی
۲۰۲ راویان ضعیف
۲۰۲ راویان سنی مذهب
۲۰۲ راویان شیعی غیر امامی
۲۰۳ راویان مهمل
۲۰۳ ۱۳-۳. از مشایخ صدوق بودن راوی
۲۰۳ ۱۴-۳. موافقت روایت با قرآن
۲۰۴ ۱۵-۳. رکاکت لفظی
۲۰۵ ۴. بررسی نمونه‌هایی از روایات با تکیه بر قراین

۲۰۵	۱-۴. بررسی روایات در ذیل آیه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.....
۲۰۶	۲-۴. بررسی یک روایت در باره چند آیه (۲۲ فجر و ۱۵ مطففین و ۲۱۰ بقره).....
۲۰۸	۱-۲-۴. بررسی روایت در ذیل آیه «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا».....
۲۰۹	۲-۲-۴. بررسی روایت در ذیل آیه «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ».....
۲۱۰	۳-۲-۴. بررسی روایت در ذیل آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللّٰهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ»... ۲۱۰
۲۱۱	نتیجه‌گیری.....
۲۱۱	۳-۴. بررسی روایات در ذیل آیه ذکر «وَأَنَّهُ لَذِكْرُ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ».....
۲۱۲	اشکالات وارد بر روایت دوم.....
۲۱۴	۴-۴. بررسی روایات در خصوص مقصود از «نحر» ذیل سوره کوثر.....
۲۱۶	روایات و بررسی آنها.....
۲۱۹	۵-۴. بررسی روایات در ذیل آیه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ».....
۲۲۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل.....
۲۲۳	فهرست منابع

نمایه‌ها

۲۴۳	نمایه آیات.....
۲۴۵	نمایه روایات.....
۲۵۰	نمایه اصطلاحات.....

مقدمه

از آنجا که قرآن آخرین کتاب آسمانی و نخستین مرجع مهم اسلام‌شناسی است، جایگاهی ویژه، در پژوهش‌های دینی دارد. این کتاب آسمانی از دیرباز از زوایای گوناگون، کانون توجه قرآن‌پژوهان و مفسران قرار گرفته و تاکنون، کتاب‌های پُرشماری درباره تفسیر و علوم مرتبط با آن نگارش یافته است.

اشرف علوم از جنبه اهمیت و منزلت، علم به معانی قرآن کریم و شناخت تفسیر و تأویل آن است؛ زیرا موضوع علم تفسیر، کلام خداوند متعال است و غرض از این علم به دست آوردن نیروی استنباط صحیح تعالیم اسلام و شناسایی کامل مفاهیم و مراد آیات الهی است.

وجود پیوندی ریشه‌دار و ناگسستنی میان قرآن و همتایان معصومش، یعنی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، در همه مراتب که از حدیث عرشی «ثقلین» و ده‌ها روایت دیگر برمی‌آید، بایستگی مطالعه ژرف سخنان تفسیری آن بزرگواران را برای دستیابی به تفسیری مطمئن و استوار و روشمند از قرآن کریم، بر پژوهندگان در همه گرایش‌های تفسیری آشکار ساخته است.

لیکن بی‌گمان، بهره‌مندی روشمند و درست از روایات تفسیری، که گفته‌های تفسیری معصومان علیهم‌السلام را در آن باید جست، نیازمند پالایش آنهاست؛ زیرا آسیب‌ها و آفاتی در گذر زمان و حوادث، موجب راه‌یابی ناراستی‌هایی در دو حوزه «سند» و «متن» شده است. شناخت این آسیب‌ها و راهکارهای درمانش نخستین گام برای بهره‌گیری از این روایات در تفسیر است.

بیشترین اقدامی که درباره روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام، تا پیش از دهه‌های اخیر رایج بوده است، گردآوری و ثبت آن در مجموعه‌هایی است که اکنون از آن به «تفاسیر مأثور» یاد می‌شود. تفاسیری چون تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی، نور الثقلین و البرهان نمونه‌هایی از این

قبیل است. همچنین، در لابه‌لای تفاسیر دیگری که از آن به «تفاسیر اجتهادی» یاد می‌شود، این روایات برای استشهاد یا تأیید به کار رفته است.

درباره روایات تفسیری با دو حقیقت روبه‌رویم: یکی آنکه گفته‌های تفسیری معصومان علیهم‌السلام در میان همین روایات موجود نهفته است و به دلیل پیوند ژرف آنان با قرآن، هیچ مفسر راستینی از آن بی‌نیاز نیست؛ حقیقت دیگر آنکه این گفته‌ها به دلیل عوامل مختلف از قبیل فتنه‌های سیاسی، غلو، فرقه‌های کلامی، تقیه، فقدان سند معتبر و عواملی دیگر، با نارسایی‌هایی همراه شده که آن را آسیب‌پذیر ساخته و اعتماد به آن را با مشکل روبه‌رو کرده است؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون شمار روایات قابل اعتماد در میان روایات تفسیری اندک است. بنابراین یکی از قدم‌های اساسی درباره این روایات، بررسی راه‌های اعتباربخشی به آنهاست.

به گواهی تاریخ، علمای شیعه برای حفظ و ثبت و ضبط احادیث شیعه، در تدوین علم‌الحديث و درایة‌الحديث و علم رجال و تصحیح و تعلیق مجموعه‌های حدیثی، گام‌های مؤثری برداشته‌اند؛ اما پالایش احادیث و شناخت سقیم از صحیح، خصوصاً در احادیث تفسیری، برای حفظ آثار مکتوب برجای مانده از اهل بیت علیهم‌السلام ضرورتی انکارناپذیر است. توجه به نکته‌ای مهم این ضرورت را آشکار می‌سازد: اکثر آن تلاش‌ها معطوف به روایات فقهی بوده است که ناظر به عمل مکلف است، در حالی که موضوع اکثر روایات تفسیری اعتقادات است و کارایی روش‌های مربوط به فقه در حوزه تفسیر، جای تأمل دارد.

این پژوهش به منظور طرح‌ریزی نظامی جامع برای اعتبارسنجی روایات تفسیری انجام یافته است. در فصل اول با طرح موضوع کلیات بحث، قدم اول برداشته شده است. مسائلی از قبیل تبیین موضوع و ضرورت و اهداف بررسی آن، سؤالات اصلی و پیشینه تحقیق مطرح شده و در ادامه، موضوعات اساسی که ساختار پژوهش به چگونگی پاسخ به آنها بستگی دارد، بررسی شده است. سنت، روایات حاکی از سنت، حجیت در تفسیر و مقایسه آن با سایر حوزه‌ها و معرفی گونه‌های روایات تفسیری اجزای این بخش را تشکیل می‌دهند.

در فصل دوم به بررسی جامع معیارهای اعتبار در روایات تفسیری پرداخته شده است. این معیارها شامل معیار سندی، نبود اضطراب، همچنین عدم مخالفت با قرآن و سنت و عقل و علم قطعی و واقع می‌شود. برای جامعیت بحث، هر معیار از جهات مختلف بررسی شده است. این جهات شامل دلیل اعتبار، مفهوم و محدوده دلالت و در صورت اختلاف آرا، نقد و بررسی

آنهاست. گفتنی است در بعضی از این معیارها، مانند عدم مخالفت با قرآن، در یک یک موضوعات فرعی آن، اختلاف رأی وجود دارد.

در فصل سوم برای نشان دادن میزان کارایی این معیارها، به بررسی و سنجش گونه‌های شش‌گانه روایات تفسیری با این معیارها همت گمارده شده است. در خلال این بررسی، دو واقعیت بیشتر چهره نشان می‌دهد: ۱. نایکسانی میزان کارایی این معیارها در گونه‌های مختلف روایات تفسیری؛ ۲. اختلاف دانشمندان در سلامت و عدم سلامت بعضی روایات در گذر از میدان نقد با این معیارها.

فصل چهارم موضوعی را در مسیر بررسی قرار داده که کمتر به آن توجه شده است. وثوق صدوری و راه‌های اعتباربخشی به روایات از طریق قراین در این فصل بررسی شده است. در ابتدا جایگاه توجه به وثوق صدوری در مقابل وثوق سندی در اندیشه دانشمندان شیعه بررسی شده، سپس گزارش گونه‌ای از قراین اعتبار در سه حوزه راوی و روایت و متن، ارائه شده و آنگاه چند نمونه از این قراین بررسی شده است. در انتهای فصل، برای نشان دادن میزان کارایی این قراین در اعتباربخشی روایات تفسیری، چند نمونه از روایات با این عیار به بوتۀ نقد فرستاده شده‌اند. در خلال این بررسی، با اثبات اعتبار بعضی از روایات تفسیری از طریق تکیه بر قراین مقبول نزد قائلان به عدم حجیت خبر واحد در تفسیر، جایگاه ارزشمند قراین نمودار می‌شود. برخورد لازم می‌دانم مراتب تشکر خود را از همه عزیزانی که بدون یاری آنها این اثر به بار نمی‌نشست اعلام دارم:

- استاد ارجمند و فرهیخته‌ام حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر بابایی که در همه مراحل از خرمن معرفت ایشان بهره بردم و راهنمایی‌های ایشان راهگشای مشکلات مسیر بود؛
- استاد بزرگوار حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد اسعدی که مشورت‌های ارزشمندشان در بسیاری از موارد به بهینه شدن کار کمک شایانی نمود؛
- همه مسئولان و کارکنان بخش‌های مختلف پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که با حمایت و تلاش همه جانبه آنها امکان تدوین و نشر این اثر فراهم شد؛
- این اثر را به پیشگاه قرین قرآن، عترت پیامبر بزرگوار اسلام تقدیم می‌دارم.

فصل اول

کلیات

در این فصل مسائلی از قبیل تبیین موضوع و ضرورت و اهداف بررسی آن، سؤالات، فرضیه‌ها و پیشینه تحقیق مطرح شده است. همچنین برخی مباحث اساسی بررسی شده است که ساختار پژوهش به چگونگی پاسخ به آنها بستگی دارد، مانند تعریف سنت، روایات حاکی از سنت، حجیت در تفسیر و مقایسه آن با سایر حوزه‌ها و معرفی گونه‌های روایات تفسیری.

۱. بیان موضوع

برای سنجش روایات تفسیری باید آنها را با معیارها و شرایط مختلفی ارزیابی کرد. در باب معیار سندی، دقت‌ها و بررسی‌های بیشتری صورت گرفته است؛ ولی سایر معیارها و شرایط به‌طور دقیق و همه‌جانبه بررسی نشده است. علاوه بر این معیارها و شرایط که در اعتبار حدیث، نقش اساسی دارند، قرائنی نیز وجود دارند که در اعتباربخشیدن به روایات مؤثرند. مسئله مورد بررسی در این تحقیق شناساندن و بررسی معیارها و شرایط اعتبار روایات تفسیری و چگونگی سنجش گونه‌های مختلف روایات تفسیری با آنها و همچنین نقد و بررسی قراین اعتبار روایات در حوزه تفسیر و نشان‌دادن میزان کاربرد هرکدام از این ملاک‌ها و شرایط و قراین در این گونه روایات است.

۲. پیشینه

اهتمام به حدیث، در جایگاه دومین سند معتبر در میان مسلمانان، از صدر اسلام تا کنون مطرح بوده است. چه بسیار عالمان و اندیشمندان اسلامی که درباره این مائده الهی و مسائل پیرامون آن، تلاش کرده‌اند؛ چه آنان که پس از استماع آن از منابع محکم و متقن، رسالت ابلاغ را به عهده گرفته‌اند و چه آنان که در راه حفظ و نشر آن کوشیده‌اند. کتب متعدد حدیثی برجای مانده گواه این تلاش‌هاست.

در این میان، به علت وجود احادیث جعلی، تلاش‌های بسیاری نیز برای پالایش احادیث صورت گرفته است. بیشتر این تلاش‌ها معطوف به سند بوده است که محصول آن کتاب‌های متقن و متعدد در خصوص اقسام حدیث از جهت سند و چگونگی شناخت راویان است. البته از دیرباز، موضوع نقد متن نیز، هرچند به صورت گذرا، مورد توجه بوده است. در ادامه، بر اساس ترتیب زمانی، گزارش‌گونه‌ای از آن ارائه می‌شود.

در آثار نقل شده از ائمه علیهم‌السلام و صحابه، نمونه‌هایی از نقد متن وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱. نقد حدیث منسوب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خصوص وجوب مهریه کامل و عده برای زنی که قبل از دخول، طلاق داده شود،^۱ در روایت منقول از امام علی علیه‌السلام،^۲ به علت مخالفت با قرآن؛
 ۲. نقد حدیث خلقت حوا از دنده چپ آدم^۳ در روایت منقول از امام باقر علیه‌السلام؛^۴
 ۳. نقد حدیث فرود آمدن خداوند به آسمان دنیا در شب جمعه در روایت منقول از امام کاظم علیه‌السلام؛^۵
 ۴. نقد حدیث نسبت دادن رؤیت خدا به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایت منقول از امام رضا علیه‌السلام؛^۶
 ۵. رد حدیث عذاب میت بر اثر گریه خاندان او^۷ به زبان عایشه^۸؛
 ۶. رد حدیث نقض وضو بر اثر خوردن غذای پخته شده با آتش^۹ در خبر منقول از ابن عباس^{۱۰}.
- در میان آثار دانشمندان فریقین نیز به صورت پراکنده، گزارش‌هایی از قواعد نقد متن مشاهده می‌شود، مانند کلینی،^{۱۱} صدوق،^{۱۲} شیخ طوسی،^{۱۳} خطیب بغدادی،^{۱۴} ابن قسیم،^{۱۵} ابن کثیر،^{۱۶} غزالی،^{۱۷} فیض کاشانی^{۱۸} و حر عاملی^{۱۹}.

-
۱. ابوداود، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۳۷.
 ۲. بیهقی، السنن الکبری، ج ۱۱، ص ۳۱.
 ۳. طبری، جامع البیان، ج ۴، ص ۲۲۴؛ بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۱۵۴.
 ۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۱۶.
 ۵. صدوق، توحید، ص ۱۷۶ و ۱۸۳.
 ۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۹۵-۹۶؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۴۵-۴۴۶.
 ۷. بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۷۴.
 ۸. همان.
 ۹. نسائی، سنن النسائی، ج ۱، ص ۱۰۵.
 ۱۰. همان، ص ۱۰۶.
 ۱۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۹.
 ۱۲. صدوق، کمال الدین، ص ۱۹.
 ۱۳. طوسی، العدة فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۵؛ همو، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳-۵؛ همو، الاستبصار، ج ۱، ص ۲-۳.
 ۱۴. خطیب بغدادی، الکفایة فی علم الدراية، ص ۴۳۲.
 ۱۵. ابن قسیم، المنار المنیف، ص ۴۷.
 ۱۶. ابن کثیر، الباعث الحثیث، ص ۲۳۷.
 ۱۷. غزالی، المستصفی، ج ۱، ص ۲۶۷.
 ۱۸. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۸-۱۰.
 ۱۹. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۹۳.

دانشمندان معاصر این موضوع را به شکل جدی تر بررسی کرده اند و لذا آثار دقیق تری در این زمینه عرضه شده است. این آثار در دو گروه گزارش می شود.

۲-۱. منابع بررسی قواعد نقد مطلق روایات

اهتمام المحدثین بنقد الحدیث سنداً و متناً و دحض مزاعم المستشرقین و أتباعهم، نوشته محمد لقمان سلفی

نویسنده در خلال مباحث کتاب به سیر تاریخی نقد متن و مراحل تکامل آن می پردازد. در مقصد ششم، مهم ترین قواعد نقد متن را برمی شمرد. او در انتها، احادیثی را که مستشرقان نقد کرده اند، ذکر و بررسی می کند. مؤلف در مقدمه، هدف از تألیف کتاب را پاسخ گویی به شبهات مستشرقان درباره بی توجهی به نقد متن، بیان کرده است. نظری در این جهت پایه ریزی شده که محور نقد احادیث، نقد متن است و قواعد نقد سند هم در جهت دستیابی به متن صحیح بوده است.

مقایسه نقد متون السنه، نوشته مسفر غم الله دمیسی

مؤلف مقیاس های نقد حدیث در نزد صحابه و محدثان و فقها را به طور مجزا بررسی می کند. در این میان از معیارهایی چون قیاس و عمل اصحاب نیز نام می برد.

منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، نوشته صلاح الدین بن احمد ادلی

ادلی در مقدمه به بررسی موضوع نقد و اهمیت و سختی های آن می پردازد و سپس موضوع وضع حدیث را بررسی می کند. آنگاه تاریخچه نقد متن نزد اصحاب و علمای حدیث را ذکر می کند و در باب سوم در چند فصل به بررسی قواعد نقد متن می پردازد و نمونه هایی از احادیث را بر اساس آنها می سنجد.

روش شناسی نقد احادیث، نوشته علی نصیری

مؤلف کتاب، ضمن آسیب شناسی روایات و گزارش سیر تاریخی نقد احادیث میان فریقین، دو روش نقد سندی و متنی را بررسی می کند. او در نقد متنی، به معرفی ده معیار در سنجش روایات می پردازد و نمونه هایی از روایات را با آنها ارزیابی می کند.

مبانی نقد متن الحدیث، نوشته قاسم بیضانی

بیضانی ضمن توضیح دو گونه داخلی و خارجی نقد، به تاریخچه نقد در نزد اهل بیت علیهم السلام می پردازد. آنگاه اصول نقد در نزد عالمان مسلمان را مطرح می کند و به تبیین پنج اصل در نقد متن حدیث می پردازد. سپس جعلی بودن نمونه هایی از احادیث را با این معیارها به اثبات می رساند.

مبانی و روش های نقد احادیث در کتب اربعه، نوشته فتحیه فتاحی زاده

مؤلف در ضمن مباحث کتاب در فصل سوم، مبانی نقد حدیث و دو شیوه نقد سندی و نقد داخلی (نقد متنی) را بیان می کند و شش معیار برای نقد برمی شمرد.

مبانی و روش های متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه، نوشته داوود معماری

نویسنده در ضمن بیان پیشینه نقد متن حدیث نزد معصومان علیهم السلام و دانشمندان، نمونه هایی از آن را ذکر و سپس روش های نقد حدیث را از چند جنبه بیان می کند: ۱. اصل صدور؛ ۲. جهت صدور؛ ۳. مورد صدور؛ ۴. دلالت.

بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن (پایان نامه کارشناسی ارشد علوم

قرآن و حدیث، ۱۳۷۹)، نوشته جعفر صادق فدکی

نگارنده در این تحقیق با بررسی اصول و معیارهای نقد حدیث از جهت متن، به اثبات اعتبار آنها از نظر قرآن و سنت می پردازد. او در فصل سوم، ضمن برشمردن شش معیار، نمونه هایی از احادیث شیعه را بر اساس آنها نقد می کند.

مبانی نقد متن الحدیث عند الفریقین (پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث،

۱۳۸۳)، نوشته قاسم عباس کعبی

هدف نگارش این پایان نامه بررسی قواعد شرعی و عقلی در ارزش گذاری نقد حدیث از نظر صحت و سقم است. سعی مؤلف بر ذکر معیارهای مورد اتفاق شیعه و اهل تسنن است. او در این خصوص پنج قاعده ذکر می کند.

۲-۲. منابع بررسی قواعد نقد روایات تفسیری

در بعضی از آثار، روایات تفسیری بررسی شده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیه السلام، نوشته‌ی علی اکبر رستمی در این کتاب ضمن تبیین ارتباط قرآن و عترت و دیدگاه‌های مطرح‌شده در این زمینه، به نقش و جایگاه روایات در تفسیر پرداخته می‌شود. از جمله، موضوع حجیت خبر واحد در تفسیر و دیدگاه‌های پیرامون آن مطرح می‌شود. در فصل چهارم روش معصومان علیهم السلام در تفسیر مورد توجه قرار می‌گیرد. مؤلف به هفت روش در این زمینه اشاره می‌کند. در این کتاب روش‌های اعتبارسنجی بررسی نشده است.

بررسی صحت و اعتبار روایات منسوب به امام عسکری علیه السلام، نوشته‌ی سیده فاطمه هاشمی در این اثر، مؤلف ضمن بررسی تفسیر مآثور و ارزش آن، چهار معیار داخلی و هفت معیار خارجی را برای سنجش روایات مطرح می‌کند. اهتمام عمده نگارنده بررسی صحت انتساب این تفسیر به امام عسکری علیه السلام است. مؤلف معتقد است نمی‌توان در خصوص همه روایات این تفسیر، قضاوت یکسانی کرد.

پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر، نوشته‌ی محمدتقی دیاری بیدگلی مؤلف در این اثر به موضوع اسرائیلیات اهتمام ویژه دارد. او ضمن بررسی زمینه‌ها و انگیزه‌های رواج اسرائیلیات، به معرفی چهره‌هایی می‌پردازد که در شیوع آن نقش برجسته‌ای داشته‌اند و نمونه‌هایی از اسرائیلیات را در فصلی مستقل، به صورتی جامع، با تکیه بر معیارهای نقد، بررسی می‌کند.

۲-۳. منابع بررسی‌کننده بعضی از ابعاد موضوع

برخی از پژوهشگران در خلال پایان‌نامه‌ها و مقالاتی ابعادی از این موضوع را بررسی کرده‌اند که گزارشی از آن در اینجا ارائه می‌شود. این نمونه‌ها در محورهای زیر خلاصه می‌شوند:

۱. بررسی روایات تفسیری در یک تفسیر خاص مانند تفسیر عیاشی،^۱ تفسیر قمی،^۲ المیزان^۳؛
 ۲. بررسی گونه‌ای خاص از روایات مانند روایات تأویل،^۴ تطبیق،^۵ شأن نزول،^۶ تحریف قرآن^۷ و روایات اهل سنت در تفاسیر شیعه^۸؛
 ۳. روایات منقول از یکی از معصومان، حتی در جزء خاصی از قرآن، مانند امام‌باقر،^۹ امام صادق^{۱۰} و امام رضا^{علیه‌السلام}؛^{۱۱}
 ۴. بررسی معیارهای اعتبار از منظر فرد یا گروهی خاص مانند علامه شعرانی،^{۱۲} علامه طباطبایی^{۱۳} و امام خمینی^{۱۴}؛
 ۵. بررسی اصل موضوع حجیت و نقش روایات در تفسیر؛^{۱۵}
 ۶. بررسی معیاری خاص مانند عرضه بر قرآن^{۱۶} و تاریخ.^{۱۷}
- در زمینه نوعی از روایات تفسیری که به اسرائیلیات موسوم‌اند، پژوهش‌های مستقلی صورت گرفته است. یکی از علاقه‌مندان به این حوزه در مقاله‌ای آنها را بررسی و معرفی کرده است.^{۱۸} البته این‌گونه روایات در خلال بسیاری از کتب تفسیر و علوم قرآن هم نقد شده‌اند.

-
۱. رضا رستمی‌نژاد، ارزیابی و بررسی تفسیر عیاشی. ۲. پوران میرزایی، نقد و بررسی تفسیر قمی.
 ۳. شادی نفیسی، معیارهای فهم و نقد حدیث در تفسیر المیزان.
 ۴. عبدالهادی فقهی‌زاده، مجلسی و روایات تأویل.
 ۵. زهرا حسینی، جمع‌آوری روایات تطبیقی در تفاسیر شیعی و تحلیلی پیرامون آن.
 ۶. سهیلا پیروزفر، بررسی میزان تأثیر روایات سبب نزول در تفسیر.
 ۷. محسن بیات، بررسی و نقد روایات تحریف قرآن.
 ۸. حمید باقری، کارکردهای نقل روایات اهل سنت در منابع شیعی.
 ۹. لاله افتخاری، گردآوری و نقد و بررسی روایات تفسیری باقرین^{علیهم‌السلام}.
 ۱۰. محمدعلی ایازی، روایات تفسیری امام‌صادق^{علیه‌السلام}؛ زهرا رضازاده عسگری، بررسی روایات تفسیری امام‌صادق^{علیه‌السلام} در جزء اول قرآن. ۱۱. سیدجواد رضایی، بررسی و تحلیل روایات تفسیری امام‌رضا.
 ۱۲. عباس علی‌مردی، معیار نقد حدیث در تعلیقات علامه شعرانی بر روض الجنان.
 ۱۳. شادی نفیسی، علامه طباطبایی و معیارهای فهم و نقد احادیث.
 ۱۴. اعظم غیاثوند، بررسی جایگاه و شیوه ارزیابی آن از دیدگاه امام‌خمینی.
 ۱۵. علی‌نقی خدایاری، نقش احادیث معصومان در تفسیر قرآن؛ صادق لاریجانی، کاربرد حدیث در تفسیر و معارف؛ محمدهادی معرفت، کاربرد حدیث در تفسیر.
 ۱۶. مهدی احمدی، ضرورت نقد قرآن‌محور حدیث؛ محمدتقی دیاری، ضرورت عرضه و تطبیق روایات بر قرآن.
 ۱۷. کمال صحرایی اردکانی، نقش تاریخ در نقد و بررسی حدیث.
 ۱۸. محمدتقی دیاری، «مآخذشناسی اسرائیلیات در قرآن و حدیث»، آیین پژوهش، ش ۱۰۹، ص ۹۶-۱۰۴. نویسنده به ۲۳ کتاب، ۵۵ مقاله و ۱۰ پایان‌نامه در این زمینه اشاره می‌کند.

در بررسی‌های انجام‌شده، کتابی یافت نشد که مستقلاً به خصوص اعتبارسنجی روایات تفسیری از ابعاد مختلف پرداخته باشد. البته در این زمینه، اثر ارزشمند خانم شادی نفیسی^۱ در محدوده تفسیر المیزان شایان توجه است. علی‌احمد ناصح نیز در کتاب خود^۲ فقط موضوع حجیت روایات در تفسیر را بررسی کرده و سپس به گونه‌های روایات تفسیری پرداخته است.

۳. کاستی‌های تحقیقات گذشته و جنبه‌های نوآوری در این پژوهش

۱. در هیچ‌کدام از تحقیقات قبلی، بررسی همه‌جانبه‌ای درباره خود معیارها و شرایط به‌طور مستقل صورت نگرفته است.
۲. گونه‌های مختلف روایات تفسیری با معیارها و شرایط سنجش بررسی نشده‌اند تا میزان کارایی آنها در هر گونه آشکار شود.
۳. از قرینه‌های اعتبار روایات تقریباً به‌صورت کامل غفلت شده است. در این تحقیق، نقایص یادشده با این اقدامات جبران شده است:
 ۱. بررسی دقیق و همه‌جانبه همه معیارها و شرایط غیرسندی اعتبار روایات تفسیری؛
 ۲. تحقیق و تبیین دقیق معنای روایات عرضه بر قرآن؛
 ۳. بررسی قراین اعتبار در روایات تفسیری.

۴. ضرورت تحقیق

با توجه به اهمیت بررسی معیارها و شرایط اعتبار و کاستی‌های تحقیقات پیشین و خصوصاً نبود پژوهشی جامع در باب این موضوع در حوزه روایات تفسیری، ضرورت این تحقیق آشکار می‌شود. از طریق این پژوهش می‌توان به راهکارهایی در پالایش روایات تفسیری و اثبات اعتبار آنها دست یافت. جداسازی روایات تفسیری به‌نحوی روشمند، دستیابی به لایه‌های متفاوتی از معارف قرآن را موجب می‌شود.

۱. روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان، انتشارات علمی و فرهنگی.

۲. اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، انتشارات بوستان کتاب قم.

۵. اهداف تحقیق

این تحقیق در پی بررسی همه‌جانبه معیارها و شرایط اعتبار روایات تفسیری و سنجش گونه‌های مختلف روایات تفسیری با این معیارها و شرایط است. این کار در شناسایی روایات معتبر در تفسیر و بهره‌مندی روشمند از روایات تفسیری بسیار مؤثر است.

۶. روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه کتابخانه‌ای است. با مراجعه به منابع موجود و تحلیل توصیفی مفهومی گزاره‌های مرتبط با تحقیق به‌طور دقیق، آنها را شناسایی و سپس میزان کارایی‌شان را در حوزه‌های تحقیق ارزیابی می‌کنیم.

۷. واژه‌شناسی

در این قسمت به مفهوم‌شناسی واژه‌های کلیدی تحقیق می‌پردازیم.

۱-۷. تفسیر

در این قسمت واژه تفسیر بررسی می‌شود. این بررسی با ریشه‌یابی این واژه در لغت برای دسترسی به معنای لغوی آن شروع و سپس به کاربرد آن در قرآن پرداخته می‌شود. پیگیری معنای اصطلاحی این واژه جنبه دیگر این بررسی را به خود اختصاص می‌دهد.

تفسیر مصدر باب تفعیل از ماده «فسر» است و فسر را در کتاب‌های لغت به «بیان»^۱، «ابانه (روشن کردن)»^۲، «جداکردن»^۳، «آشکار ساختن امر پوشیده»^۴، «اظهار معنای معقول»^۵ و مانند آن معنا کرده‌اند.

آنچه در تمام این معانی مشترک است، آشکارکردن و ابراز است و اگر تفسیر را «جداکردن» و مانند آن معنا کرده‌اند، در واقع به همین معنا برمی‌گردد؛ یعنی در جداکردن و دیگر معانی ذکرشده نیز نوعی ابراز و کشف نهفته است.

۱. جوهری، صحاح اللغة؛ ابن منظور، لسان العرب؛ طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده «فسر».

۲. فیروزآبادی، القاموس المحیط؛ زبیدی، تاج العروس، ذیل ماده «فسر».

۳. صفی‌پور، منتهی الأرب فی لغة العرب، ذیل ماده «فسر».

۴. ابن منظور، لسان العرب؛ فیروزآبادی، القاموس المحیط؛ زبیدی، تاج العروس، ذیل ماده «فسر».

۵. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۸۰.

کلمه تفسیر فقط یک بار در قرآن به کار رفته است. خدای متعال پس از بیان از بهانه‌ها و ایرادهای بهانه‌گیری‌ها و عیب‌جویی‌های کافران در برابر پیامبر خدا ﷺ و پاسخ به آن، می‌فرماید: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا»؛^۱ «برای تو مثلی نمی‌آورند، جز آنکه ما [در برابر آن] مثل حق و تفسیر نیکوتر می‌آوریم.» مفسران برای کلمه تفسیر در این آیه، معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند^۲ و به نظر می‌آید که همان معنای لغوی، یعنی بیان و کشف، مناسب‌تر باشد.^۳

در میان مسلمانان، واژه «تفسیر» به شرح و بیان آیات قرآن کریم انصراف دارد و در جایگاه یکی از علوم اسلامی مطرح است. برخی از مفسران تعریفی برای تفسیر ارائه نداده‌اند. گویا تبادل عرفی را برای فهم معنای این واژه، کافی دانسته‌اند.^۴ جمعی دیگر در صدد تعریف تفسیر قرآن برآمده و آن را معنا کرده‌اند.^۵ یکی از قرآن‌پژوهان معاصر این تعریف را برای تفسیر پیشنهاد می‌کند: «بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن، بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره».^۶

به نظر می‌رسد این تعریف از جامعیت و فراگیری کامل در خصوص همه مراحل تفسیر برخوردار است؛ زیرا در این تعریف با تفکیک دو مرحله مراد استعمالی و جدی، نیاز به تفسیر کلام خدا در هر دو مرحله ذکر شده است و از سوی دیگر، به ویژگی عربی بودن قرآن و آثار لحاظ کردن این ویژگی در تفسیر توجه داده شده است.

۷-۲. تأویل

معنای لغوی و اصطلاحی «تأویل» و کاربرد قرآنی این کلمه و تفاوتش با تفسیر در این قسمت بررسی می‌شود. تأویل در لغت از ماده «أول» به معنای رجوع یا بازگشت است. «آل الشیء یؤول أولاً و مآلاً» به معنای بازگشت شیء است و «أول إلیه الشیء» یعنی آن چیز را به او بازگرداند و «أول الکلام و تأوله» یعنی «دبیره و قدره» و «أوله و تأوله» یعنی آن را تفسیر کرد.^۷ بعضی با بررسی معانی ارائه‌شده برای این لفظ، بازگشت آنها را به سه معنی می‌دانند:

۱. فرقان، ۳۳.
۲. ر.ک: بابایی، روش‌شناسی تفسیر، ص ۱۰.
۳. همان.
۴. مانند: ابن جریر طبری در جامع البیان؛ شیخ طوسی در التبیان؛ زمخشری در کشف و ...
۵. ر.ک: بابایی، روش‌شناسی تفسیر، ص ۱۲-۲۳. ۶. بابایی، روش‌شناسی تفسیر، ص ۲۳.
۷. ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده «أول»: فیروزآبادی، القاموس المحیط، ذیل ماده «أول».

۱. بازگردانیدن شیء یا کلامی به مقصود از آن؛ ۲. تفسیر و بیان مقصود و مراد پنهان از شیء و کلام؛ ۳. چیزی که شیء یا کلام به آن برمی‌گردد. دو معنای اول معنی مصدری و آخری معنای وصفی است.^۱

بعضی از قرآن‌پژوهان معاصر با بررسی سیر تاریخی معنای تأویل، به نکته‌ای اساسی در این زمینه اشاره کرده‌اند. در کتب لغت، مجموعاً چهار معنا برای تأویل ارائه شده که به ترتیب زیر است:

۱. مرجع و عاقبت؛ ۲. سیاست‌کردن؛ ۳. تفسیر و تدبیر؛ ۴. انتقال از معنای ظاهری لفظ به معنای غیرظاهر. در میان این معانی، در کلام قدما بیش از همه، معنای اول و سپس معنای دوم و سوم ذکر شده است؛ اما معنای چهارم در معجم‌های قدیمی‌تر، مانند تهذیب اللغة، مقایس اللغة و صحاح اللغة یافت نمی‌شود، بلکه برای اولین بار، در کتاب نهاییه ابن‌اثیر آمده است. این معنا اصطلاحی است که متکلمان و اصولی‌ها آن را وضع کرده‌اند. مؤید این نظر آنکه زبیدی در تاج العروس این معنا را به ابن‌کمال و سبکی و ابن‌جوزی نسبت داده است که هیچ‌کدام از آنها لغوی نبوده‌اند، بلکه یا فقیه بوده‌اند یا متکلم یا اصولی.^۲ شاید کثرت کاربرد تأویل در مفهوم «انتقال از معنای ظاهری به معنای غیرظاهر» در لسان اصولی‌ها و متکلمان موجب شهرت‌یافتن این معنا برای واژه تأویل شده است و باید مراقبت کرد در فهم کلمات گذشتگان چنین اشتباهی صورت نگیرد.

این واژه در قرآن، هفده بار در پانزده آیه و هفت سوره آمده است. در آیه ۷ سوره آل‌عمران و ۵۳ سوره اعراف و ۳۶ سوره یونس، درباره قرآن به کار رفته است که منشأ بحث و گفت‌وگوی مفسران درباره «تأویل قرآن» شده است. در این باره، آیه ۷ سوره آل‌عمران نقش محوری دارد.

در قرآن در چند مورد این لفظ درباره قرآن به کار رفته است. در اینکه مقصود از تأویل قرآن چیست آرای مختلفی طرح شده است که در اینجا مجال بررسی و نقد همه آنها وجود ندارد. از این رو به جمع‌بندی دقیق یکی از قرآن‌پژوهان معاصر بسنده می‌شود.

تأویل قرآن در لسان آیات و روایات مربوط به آن، در معانی زیر به کار رفته است:

الف. معنای حقیقی آیات متشابه و منظور واقعی از آن؛

ب. معنا و معارف باطنی آیات کریمه، اعم از محکم و متشابه؛

ج. مصداق خارجی و تجسم عینی وعد و وعیدهای قرآن کریم درباره آخرت و سایر

پیشگویی‌های آن؛

۲. شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۲۷.

۱. بابایی، روش‌شناسی تفسیر، ص ۲۵-۲۶.

د. مصادیق بعضی از آیات کریمه که از دید عرف و افراد عادی پنهان است.^۱
 با توجه به مطالب پیش گفته، بین تفسیر و تأویل تفاوت وجود دارد. عبارات اهل لغت و تفسیر و علوم قرآنی درباره تفاوت تفسیر و تأویل، متفاوت است؛ به طوری که بعضی آن دو را مترادف^۲ و برخی تفسیر را عام و تأویل را خاص^۳ و بعضی تأویل را عام و تفسیر را خاص^۴ و برخی آن دو را متباین دانسته‌اند.^۵ علامه طباطبایی نیز بین این دو تباین قائل است. او تفسیر را از مقوله معانی و تأویل را از مقوله وجود عینی می‌داند.^۶
 بررسی دقیق معنای تفسیر و تأویل نشان می‌دهد دیدگاه تباین از قوت لازم برخوردار است؛ تفسیر مربوط به لایه‌ای از قرآن و تأویل مربوط به لایه‌ای دیگر است.

۳-۷. حجیت و اعتبار

از مباحث مهم در حوزه روایات، حجیت است. با توجه به کاربرد این لفظ در دانش‌های مختلف، بررسی معنای لغوی و اصطلاحی آن در علوم مختلف، موضوع گزارش این بخش است.
 در اصل لغت، واژه حجیت را به معنای برهان و دلیل ذکر کرده‌اند.^۷ برخی این واژه را به معنای آنچه به وسیله آن خصم دفع می‌شود، دانسته‌اند.^۸
 این واژه در قرآن نیز آمده است: «لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ»؛ «پیامبران را فرستادیم تا برای مردم در مقابل خدا پس از پیامبران حجتی نباشد.»^۹ در این آیه، حجیت به معنای دلیل و برهان است؛ همان‌گونه که از سیاق آیه به دست می‌آید و لغت‌شناسان نیز بیان کرده‌اند.^{۱۰}
 برای این واژه چندین تعریف اصطلاحی شده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:
 ۱. مجموعه قضایایی که موجب می‌شود تا مجهول تصدیقی برای ما معلوم شود؛^{۱۱}
 ۲. اماره و طریق که دلیل شرعی است و واسطه اثبات متعلقات خود می‌شود، به واسطه دلیلی که از ناحیه شارع بیان شده است؛^{۱۲}

- | | |
|---|---|
| ۱. بابایی، روش‌شناسی تفسیر، ص ۳۰. | ۲. ابن تیمیه، مقدمة فی أصول التفسیر، ص ۳ و ۴. |
| ۳. سیوطی، الإقتان، ج ۲، ص ۱۷۳. | ۴. ابن تیمیه، مقدمة فی أصول التفسیر، ص ۳ و ۴. |
| ۵. همان، ص ۸؛ ابن تیمیه، الإکلیل فی المتشابه و التأویل، ص ۲۱؛ سیوطی، الإقتان، ج ۲، ص ۱۷۳. | |
| ۶. طباطبایی، المیزان، ج ۸، ص ۱۳۵ و ج ۳، ص ۵۲ و ج ۴، ص ۴۰۲. | |
| ۷. فیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۴۹. | ۸. زبیدی، تاج العروس، ج ۵، ص ۴۶۴. |
| ۹. نساء، ۱۶۵. | ۱۰. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۱۰۷. |
| ۱۱. مظفر، المنطق، ص ۲۱۶. | ۱۲. انصاری، فرائد الاصول، ج ۳، ص ۷. |

۴. حد وسط که به وسیله آن، اکبر برای اصغر ثابت می‌شود؛^۱
۵. هر آنچه متعلق خود را ثابت می‌کند و به سرحد قطع نمی‌رسد؛^۲
۶. تنجیز و تعذیر که به طور کلی درباره عبد و مولا به کار رفته است، به این شکل که در مقام امتثال عبد نسبت به اوامر مولا گفته می‌شود آیا قطع حجت است یا خیر، و منظور این است که آیا قطع منجز و معذر هست یا خیر. و مراد اصولیان از واژه حجت این است.^۳

۷-۳-۱. حجیت در اصطلاح دانش تفسیر

آنچه مفسر در مقام تفسیر بدان احتیاج دارد و معتبر است، همان روشی است که عقلا در محاوره برای تفهیم و تفاهم به آن تکیه می‌کنند، یعنی تکیه بر ظواهر، جست‌وجوی قراین و مانند اینها. می‌توان ادعا کرد در تفسیر نیازی به دلیل مستقل شرعی وجود ندارد؛ بلکه صرف اعتبار عقلایی در جایگاه دلیل، کافی است، مشروط به اینکه ردعی از طرف خداوند در خصوص آن نرسیده باشد.

این معنی از حجیت در خصوص جایی است که مراد از روایات تفسیری را روایات ناظر به تفسیر بمعنی الاخص (ظواهر الفاظ) بدانیم؛ ولی اگر روایات تفسیری ناظر به بطون و تأویل آیات قرآن را هم، چنان‌که در این پژوهش مدنظر است، در محدوده بحث وارد کنیم، وضعیت متفاوت خواهد بود. در این صورت، مطابق دیدگاه علامه طباطبایی که تأویل را از مقوله معنی نمی‌داند، دلالت‌های لفظی راهی به سوی معنی ندارند و آنچه ملاک است انتساب معنی به متکلم است. در اینجا چون نه سیره عقلا وجود دارد و نه در فرض وجود، امکان احراز عدم ردع خداوند ممکن است، راهی جز تکیه بر دلیل شرعی نداریم.

۷-۴. سنت

سنت در میان تعابیر دینی از جایگاه والایی برخوردار است. بررسی این کلمه از ابعاد مختلف و تعیین مقصود از آن در این تحقیق راهگشای مباحث آینده است.

۱. کاظمی، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۲۳.

۲. مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۲.

۳. هاشمی، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۳۷.

سنت در لغت به معنای طریقه، سیره و روش است، اعم از آنکه خوب باشد یا بد.^۱ در قرآن و روایت نیز گاهی این واژه به معنای لغوی آن به کار رفته است، مانند آیه ۳۸ انفال و ۱۳ حجر و این سخن پیامبر ﷺ: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَلَيْهِ وَزُرَّهَا وَوَزَّرَ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛^۲ هر که طریقه‌ای نیکو بنیان نهد، پاداش آن و پاداش هرکه تا روز قیامت بدان عمل کند، از آن او خواهد بود و هرکه شیوه‌ای بد بنیان گذارد، گناه آن و گناه هرکه تا روز قیامت بدان عمل کند، برای اوست.

معنای اصطلاحی این واژه از نگاه‌های گوناگون، تعریف‌های مختلفی دارد. اصولی‌ها سنت را یکی از منابع تشریح می‌دانند و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «هر آنچه از پیامبر ﷺ صادر شده باشد، اعم از آنکه قول باشد یا فعل یا تقریر».^۳

همه اصولیان شیعه و سنی این تعریف را قبول دارند؛ ولی اختلاف در توسعه آن است: اهل سنت، سنت صحابه را نیز داخل سنت پیامبر ﷺ دانسته و در نتیجه حجیت را بر سنت صحابه نیز مترتب کرده‌اند؛^۴ ولی شیعه حجیت سنت صحابه را قبول ندارد و حجیت سنت پیامبر ﷺ را به سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) تعمیم داده است.^۵

فقها سنت را در مقابل «بدعت» به کار برده‌اند.^۶ آنچه بیشتر در عرف فقها به کار می‌رود، سنت به معنای «استحباب» است که گفته‌اند: «سنت روش دینی پیموده شده است، بدون آنکه واجب باشد».^۷ البته فقها در مباحث اصولی‌شان همان معنای مصطلح اصول را به کار می‌برند. محدثان هم در مباحث اختصاصی خود، معنای ویژه‌ای برای سنت ذکر کرده‌اند: «سنت هر آن چیزی است که منسوب به پیامبر ﷺ است، اعم از فعل، قول، تقریر، صفات، ویژگی‌های

۱. جوهری، صحاح اللغة، ج ۵، ص ۲۱۳۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۲۵؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۸، ص ۲۴۷.
۲. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۴.
۳. علامه حلی، مبادئ الوصول، ص ۵۱؛ شوکانی، إرشاد الفحول، ج ۱، ص ۹۵؛ سیبانی، السنة و مکاتبتها فی التشريع الاسلامی، ج ۱، ص ۳۶؛ سبحانی، مصادر الفقه الاسلامی، ص ۷۰.
۴. شاطبی، الموافقات، ج ۴، ص ۷.
۵. میرزای قمی، قوانین الاصول، ص ۴۰۹؛ حکیم، السنة فی التشريع الاسلامی، ص ۸؛ مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۳.
۶. شاطبی، الموافقات، ج ۴، ص ۲۸۹؛ شوکانی، إرشاد الفحول، ج ۱، ص ۳۳ و ۴۰۹؛ حکیم، السنة فی التشريع الاسلامی، ص ۷؛ صدر، الفتاوی الواضحه، ص ۱۳۳.
۷. ابو حیب، سعدی، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، ص ۱۸؛ خمیس، پاسداری از سنت، ص ۳۱.

اخلاقی و ظاهری او قبل از بعثت و بعد از بعثت؛ چه در شرع به عنوان حکم شرعی ثابت شده باشد یا نه.^۱ بنا بر این تعریف، سنت معنای گسترده‌ای دارد و محدثان با این تعریف سعی کرده‌اند پیامبر ﷺ را الگویی در تمام مراحل زندگی معرفی کنند. در این پژوهش این معنای سنت مدنظر است.

متکلمان گاهی سنت را در همان اصطلاح فقها به کار می‌برند و گاهی نیز در اصطلاحی دیگر که عبارت از چیزی است که جانب وجودش بر جانب عدمش ترجیح دارد؛ رجحانی که موجب منع از نقیض نیست. این معنا مرادف با مستحب است.^۲

۷-۵. روایات تفسیری

این اصطلاح در چند معنی به کار رفته است: ۱. روایاتی که در کتاب‌های تفسیر روایی و همچنین مجامع روایی در ذیل آیات قرآن آمده است. این معنی شامل روایات ناظر به تأویل هم هست. ۲. روایاتی که در کتاب‌های تفسیر روایی و همچنین مجامع روایی در ذیل آیات قرآن آمده است و ناظر به تفسیر آیات قرآن به معنای بیان مرتبه ظاهری آیات قرآن است. این معنی شامل روایات ناظر به تأویل نیست. ۳. روایاتی که علاوه بر تبیین معنی، به مبانی و قواعد تفسیر نیز پرداخته است. ۴. همان دسته دوم، ولی اعم از اینکه در ذیل آیات آمده باشند یا در ابواب دیگر جوامع روایی باشند، مشروط به اینکه در روشن شدن مقصود آیه راهگشا باشند. در این پژوهش، مقصود از روایات تفسیری، دسته اول، اعم از منابع عامه و خاصه است؛ زیرا در صدد بیان تفاوت نحوه سنجش بین این دو قسم نیز هستیم.

۸. جایگاه سنت در تفسیر

اصطلاح سنت در میان نحله‌های مختلف اسلامی مصادیق متنوعی دارد. بررسی و تعیین مصداق مدنظر و گزارش اجمالی دلایل اعتبار آن، موضوع بررسی این قسمت است.

۱. باجی، التعلیل و التجریح، ج ۱، ص ۱۴.

۲. نسفی، شرح العقائد النسفیة، ص ۱۰۸؛ شوکانی، إرشاد الفحول، ص ۱۱۹؛ سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ص ۱۴۶.